

سرگئی کاراگانف رئیس شورای سیاست خارجی و دفاعی روسیه به دعوت دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی از تاریخ ۸۲/۱۱/۱۷ لغایت ۸۲/۱۱/۲۱ به تهران سفر کرده و ضمن سخنرانی در دفتر مطالعات با آقایان معیری (معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه)، صفری (مدیرکل مشترک المنافع و نماینده ویژه در موضوع دریای خزر)، محمود واعظی (معاون سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک)، تاجیک (رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری)، عباس ملکی (رئیس مؤسسه مطالعات دریای خزر) و عسلی (رئیس مؤسسه مطالعات انرژی) ملاقات و گفتگو کرد که در این گفتگو تعدادی از استادان و پژوهشگران مراکز فوق در جلسات شرکت نمودند. مهمترین نکات مطروحه توسط وی در سخنرانی انجام شده و مجموعه ملاقاتها به شرح زیر است:

بین‌المللی

ساختار نظام بین‌المللی که پس از جنگ جهانی دوم بوجود آمد در حال فروپاشی است و این روند غیرقابل پیشگیری است. دنیا بی‌ثبات‌تر از گذشته شده است. افزایش خطر هسته‌ای روند خطرناکی دارد. براساس فرضیه نظام تک‌قطبی قدرت انحصاری آمریکا غیرواقعی است و دنیای چندقطبی هم تعریف دقیقی ندارد؛ بنابراین به سختی می‌توان درباره آینده مسائل در دنیا نظر قطعی داد. آمریکا در گذشته قویتر از وضعیت فعلی خود بود؛ پس از جنگ دوم جهانی آمریکا تنها قدرت دارنده سلاح اتمی بود؛ اروپا ویران شده و روسیه و چین

بسیار ضعیف شده بودند و هیچ قدرت منطقه‌ای وجود نداشت. آنچه امروز شاهد هستیم آن است که دنیا بیشتر مرعوب قدرت شده است. قدرت آمریکا بیشتر یک قدرت روانی است. آمریکا از نظر سیاسی در عراق شکست خورده است. آمریکا در نهایت مسئله عراق را به سازمان ملل ارجاع خواهد داد و نیروهای نظامی خود را خارج خواهد نمود؛ هرچند پایگاههای خود را حفظ خواهد کرد. در قرن بیستم شاهد بودیم که همکاریهای اروپا در آفریقا منجر به ایجاد آرامش در آن منطقه شده است؛ لذا ما باید بیشتر بدنبال ترتیبات امنیت منطقه‌ای باشیم. در مورد خاورمیانه باید ترتیبات امنیتی در یک منطقه وسیعتر یعنی خاورمیانه جدید که از شبه قاره تا مغرب عربی گسترش می‌یابد به اجرا درآید.

وضعیت روسیه

به جهت آنکه شورای امنیت سازمان ملل در حال ضعیف شدن است روسیه که از آن به عنوان ابزار اعمال قدرت سیاسی در نظام بین‌المللی استفاده می‌کرد نفوذ خود را در عرصه بین‌المللی در حال کاهش می‌بیند. در حال حاضر، هیچ قدرتی روسیه را تهدید نمی‌کند و حتی در آمریکا بیشتر سیاستهای دفاعی نسبت به روسیه دنبال می‌شود تا سیاستهای تهاجمی. روسیه تلاش می‌کند دوره انتقالی ناتورا تسریع نماید و آن را به وضعیت باثباتی برساند. روسیه قدرت نظامی خود را حفظ خواهد کرد و آن را مدرن خواهد نمود؛ حتی به بهای پایین نگاه داشتن وضعیت رفاه مردم. ما بایستی قدرت نظامی خود را حفظ کنیم. سیاست ما حفظ تسلیحات هسته‌ای است. ما بدنبال رویارویی با آمریکا نیستیم. حتی در دوران شوروی ما هیچ وقت با آمریکا بطور مستقیم درگیر نشدیم (حال که جای خود دارد). بطور قطع ما روابط دوستانه خود را با آمریکا گسترش خواهیم داد.

رابطه خوب ما با اروپا در گرو وارد شدن جدی به داخل اروپا است و ما باید وارد اروپا شویم و ورود به اروپا از طریق همکاری در زمینه تأمین انرژی اروپا میسر است.

سیاستهای بین‌المللی روسیه همسو با آمریکا و اروپا خواهد بود و مهمترین زمینه سیاستهای بین‌المللی مقابله با گسترش سلاحهای هسته‌ای است که امروزه به وضعیت خطرناکی رسیده است. ما هیچ علاقه‌ای به گسترش وحشت در دنیا نداریم و معتقد هستیم که باید تمامی کشورها عضو پیمان منع گسترش سلاحهای اتمی گردند.

اتخاذ تصمیم سیاست اقتصاد بازار برای روسیه یک تصمیم اقتصادی نبود؛ بلکه تصمیمی کاملاً سیاسی بود. ما نمی‌توانستیم مدل چین را برای روسیه انتخاب کنیم. شرکت فعال روسیه در بازار انرژی مهمترین بحث اقتصادی کلان روسیه است. ما در حال جستجوی همکاریهای جدید با اروپا، ایران، عربستان و حتی آمریکا و چین در زمینه انرژی هستیم. ما با آمریکا ییها توافق کردیم که آنها در گرجستان پایگاه نظامی تأسیس نکنند.

همکاریهای راهبردی چین، هند و روسیه غیرواقع‌بینانه است. هیچ یک از سه کشور بطور واقعی خواستار چنین همکاری نیستند.

ایران و روسیه

این منطق قابل درک است که ایران بخواهد سلاح هسته‌ای داشته باشد؛ اما این منطق برای دنیا از جمله برای روسیه بسیار خطرناک است. ایران مرتب می‌گوید بدنبال سلاح هسته‌ای نیست؛ اما هیچ کس حرف ایران را باور نمی‌کند.

چنانچه ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد برای روسیه یک دشمن و هدف خواهد بود و ما موشکهای خود را به سمت ایران نشانه‌گیری خواهیم کرد. ما بسیار تلاش خواهیم کرد ایران بتواند پروژه بوشهر را به پایان ببرد و حتی نیروگاههای بوشهر ۲ و بوشهر ۳ را نیز بسازد. اما بطور جدی از احتمال هرگونه دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری خواهیم کرد.

من بطور شخصی نیز علاقمند به همکاری با ایران در امور نفت و گاز هستم و با توجه به شرکتی که با آن همکاری دارم می‌خواهم در پروژه‌های نفتی ایران وارد شوم.

ایران و روسیه زمینه‌های همکاری زیادی در منطقه دارند. هرچند در خزر اختلافاتی داریم؛ اما پیشرفتهایی هم داشته‌ایم، در افغانستان و چین، ایران نقش مثبتی دارد. اگر قدرتهای جهانی به ایران تضمین بدهند که مورد حمله قرار نخواهد گرفت آیا ایران از کوشش خود برای رسیدن به سلاحهای هسته‌ای منصرف خواهد شد؟ در سالهای اخیر حجم تجارت ایران با روسیه به ۱/۶ میلیارد رسیده است؛ اما ظرفیت این همکاریها تا ۵ میلیارد دلار است.

در اینجا به متن کامل سخنرانی دکتر سرگئی کاراگانف رئیس شورای سیاست خارجی و دفاعی روسیه تحت عنوان «سیاست خارجی روسیه در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین» آورده می‌شود:

ابتدا لازم است از مسئولین دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی که این فرصت را برای اینجانب فراهم نمودند تشکر نمایم. برای بنده موجب افتخار است که در چنین جمعیتی سخنرانی می‌نمایم. مسائل بسیار پیچیده‌ای برای طرح در این جلسه وجود دارد. در مورد طرح مسائل روسیه‌گفتنی است که اشاره به برخی عناصر سیاست خارجی این کشور در ارتباط با جهان خارج به این اطلاعات مربوط می‌گردد. در اینجا سیاست خارجی و دیدگاههای بنیادین در مورد دنیای خارج روسیه و مسائل و تحولاتی که بر سیاست خارجی روسیه تأثیرگذار بوده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، ذکر این نکته نیز ضروری است که علیرغم آنکه بنده مشاور رئیس جمهور، کمیسیون سیاست خارجی وزارت امور خارجه و شورای امنیت ملی روسیه می‌باشم در عین حال مطالبی که ارائه می‌نمایم غیررسمی بوده و مبین دیدگاه دولتی نبوده و صرفاً دیدگاه شخصی اینجانب می‌باشد.

ساختار بین‌المللی از سال ۱۹۴۵ تا آغاز جنگ سرد بگونه‌ای تشکیل گردیده که بسیاری از سازمانهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد و ناتو در حال فروپاشی بوده و این روند قابل پیشگیری نمی‌باشد. از طرفی؛ روسیه نقش بسزایی در شورای امنیت سازمان ملل متحد دارد که

بعنوان ابزار قدرت سیاسی ما بشمار می‌رود و البته این ابزار در حال تضعیف می‌باشد. علت آن است که این سیستم، سیستمی قدیمی است و از سال ۱۹۴۵ تاکنون قدرتهای جدیدی ظهور نموده‌اند و ساختار سازمان ملل تحت فشار است. همچنین، اعضای مختلف سازمان ملل بخاطر آنکه قادر نیستند وظایف خود را به نحو احسن انجام دهند ناموفق بوده و بنابراین بسیاری از این عملکردها به عملکرد سازمان ملل برمی‌گردد و نقش آن سازمان را تضعیف می‌نماید.

از سوی دیگر، در ارتباط با خاورمیانه تعاریف مختلفی ارائه گردیده است. برخی این منطقه را از پاکستان تا مراکش می‌دانند، برخی دیگر حوزه این منطقه را شامل کشورهای قفقاز تا یمن عنوان می‌کنند. نقش این مناطق نیز بگونه‌ای در حال تضعیف می‌باشد، البته به غیر از ایران که این کشور از پتانسیل زیادی برای قوی شدن برخوردار می‌باشد. تضعیف بسیاری از کشورهای مذکور در حال تحقق بوده و کمتر کشوری یافت می‌شود که با موفقیت از آن بیرون آمده باشد. ما پس از جریانات سال ۱۹۴۵ شاهد این تحولات هستیم. روسیه هم جزئی از این کشورها تلقی می‌شود. انسجام قبلی در حال فروپاشی است و این کشور بایستی بنوعی زندگی کند که در فضای سیال (متحرک) فعالیت کند. تطبیق شرایط روسیه با دنیا با توجه به رشد بیشتر کشورهای منطقه نسبت به این کشور ضروری است.

در غرب نیز برای اولین بار شاهد آن هستیم که روسیه می‌تواند بنوعی تأثیرگذار باشد. برخی تهدیدات از سوی کشورهای منطقه، البته نه تهدیدات نظامی، وجود دارد. در ارتباط با اروپا وضعیت خوبی داریم و از نظر دفاعی مشکلی با کشورهای اروپائی نداریم. کشورهایمانند بلاروس، اوکراین و کشورهای قفقاز کمربندی است که حلقه‌ای از تضعیف شدن را در آنها می‌توان مشاهده نمود.

روسیه نیز همانند کشورهای دیگر در حال چالش قدرت با آمریکا می‌باشد و این درحالیست که ایالات متحده در گذشته قویتر از اکنون بوده است. همچنین، اروپا قویتر از قبل شده است و چین بعنوان یک چالش برای ما محسوب نمی‌شود. بهر حال، در سالهای گذشته این

توازن برای قدرت آمریکا وجود داشته است، درحالیکه اکنون اوضاع پیچیده‌تر گردیده است و این موضوع چالشی برای روسیه محسوب می‌گردد. امروزه، در دنیا بسیاری مرعوب قدرت آمریکا هستند هرچند که قدرت ایالات متحده بیشتر یک قدرت روانی است. ولیکن برخلاف گذشته آمریکا نمی‌تواند از قدرت خود استفاده کند. بعنوان مثال، تحریمهای آمریکا در گذشته مؤثرتر بوده است، ولیکن درحال حاضر متحدین آن کشور با آمریکا همکاری نمی‌کنند و میزان تحریمها بایستی به دقت مورد بررسی قرار گیرد. در این ارتباط آمریکا مستقیماً نمی‌تواند تمامی قدرت خود را اعمال کند. در این مورد بایستی خاطر نشان نمود که واشنگتن تنها از نظر نظامی توانست عراق را شکست دهد ولی از نظر سیاسی قادر به انجام آن نشد. آمریکا از نظر سیاسی در عراق شکست خورده است و بوضوح ما شاهد تضعیف قدرت آمریکا می‌باشیم.

روسیه هم بعنوان قدرت سابق مطرح نیست. درحال حاضر، هیچ کشوری روسیه را بطور مستقیم تهدید نمی‌کند. البته بایستی زرادخانه‌های خود را برای ایجاد موازنه قدرت و نه بخاطر اینکه مورد تهدید قرار گرفته‌ایم، حفظ نماییم. برخی اعتقاد دارند در تاریخ مقابله شرق و غرب، ما نقش مثبتی را ایفاء می‌کردیم و بویژه زمان طرح قدرت هسته‌ای در اروپا و زمانی که جنگ هسته‌ای درحال وقوع بوده است. البته تهدید مانند سابق وجود ندارد و در غالب کشورها نوعی بلوغ سیاسی ایجاد گردیده است؛ حتی در آمریکا بیشتر سیاستهای دفاعی مورد نظر است تا سیاستهای تهاجمی. در جناح حاکم بر آمریکا نیز این طرز تفکر درحال اضمحلال می‌باشد. این درحالیست که برخی اعضای کابینه ریگان ادبیات شدیداللحنی را بکار می‌بردند که حتی آن را در مورد مدیریت و رهبری کهنسال روسیه نیز استفاده می‌نمودند. در نتیجه، آمریکا در آن زمان، خود را آماده حمله به شوروی سابق می‌نمود ولیکن ریگان موفقیتی بدست نیاورد چراکه از این طرز تفکر برخوردار بود. در روسیه هم وضعیت مشابهی اتفاق افتاد و این کشور تلاش می‌کند دوره انتقالی ناتو را تسریع بخشد. البته ما هنوز از تسلیحات مدرنی برخوردار می‌باشیم. در سالهای اخیر همچنین بسیاری از متخصصین را جذب نموده و تلاش داریم تا عقب‌ماندگی خود

را جبران نماییم. طیف وسیعی از مسئولین روسیه اعتقاد دارند که قدرت روسیه همانند سابق بایستی احیاء شود. بایستی با صرف برخی از هزینه‌های اجتماعی، از این منابع استفاده کنیم. حتی در برخی مواقع به بهای پایین نگاه داشتن روسیه و رفاه مردم نیز این سیاست ادامه داشته است. بایستی قدرت نظامی خود را حفظ کنیم و ارتش که در زمان گورباچف لطمات بسیاری را متحمل شده است را بازسازی نماییم.

ما هنوز یک قدرت بزرگ هستیم و به همین خاطر بایستی قدرت نظامی خود را حفظ نماییم. در طول تاریخ، همواره روسیه دشمنانی داشته است؛ در حال حاضر روسیه روابط نسبتاً خوبی با اروپا دارد. همچنین، از مناسبات خوبی با آمریکا نیز برخوردار می‌باشد. ما تلاش داریم جهت حفظ روابط دوستانه خود با آمریکا، از مقابله و رویارویی با آن کشور پرهیز نماییم. در دوره یلتسین سیاست کشور در قبال آمریکا کاملاً متفاوت بوده است. در ارتباط با تسلیحات هسته‌ای نیز بایستی خاطرنشان نمود که سیاست ما حفظ این تسلیحات می‌باشد.

در خصوص عراق اعتقاد داریم که بایستی با صدام مقابله می‌شد ولی با انجام عملیات نظامی در آن کشور موافق نبودیم. اعتقاد داریم که آمریکا نهایتاً بایستی موضوع را به سازمان ملل متحد ارجاع نماید و نیروهای نظامی نمی‌توانند برای مدت زمان طولانی در آن کشور باقی بمانند. همچنین، بازسازی عراق نیز از عهده یک کشور خارج بوده و ائتلافی از کشورها برای اینکار مورد نیاز می‌باشند. در ارتباط با احداث نیروگاه اتمی بوشهر، مقابل ایران قرار نگرفته و زیاد نیز مداخله نکرده‌ایم. ذکر این نکته ضروری است که این موضوع بسیار فراتر از همکاریهای روسیه و ایران می‌باشد. در خصوص برخی فشارهای وارده بر ایران نیز اظهار تأسف می‌کنیم که این فشارها مؤثر واقع گردید. همچنین، موادی که در اختیار هند قرار می‌گرفت متوقف گردید و ما مجبور شدیم مواد هند را از طریق دیگر تأمین نماییم.

تأکید می‌نمایم که با اروپا رابطه خوبی داریم و عدم مقابله و رویارویی با آمریکا از سیاستهای ما می‌باشد. برای نزدیکتر شدن به اروپا ابتدا بایستی وارد اروپا شویم و سیاستهایی

اتخاذ کنیم که به داخل اروپا دسترسی پیدا نماییم. این موضوع به داخل اروپا باز می‌گردد که شاهد نیاز روزافزون انرژی بوده و در این زمینه امکان انجام همکاری با اروپا وجود دارد. همچنین، برخی منافع ما با آمریکا مطابقت دارد که یکی از آنها انتخاب یک استراتژی است که براساس آن، وضعیت بین‌المللی را وخیم‌تر نکند. بعنوان مثال، مقابله با تسلیحات کشتار جمعی در کشورها و از جمله در عراق و همچنین کمک به ایران در جهت کسب فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و ممانعت از کشورهایی که تلاش می‌نمایند تا تسلیحات هسته‌ای را بدست آورند. در دیدگاه آمریکا بخاطر نقش آمریکا در سازمان ملل متحد، موضوع اسرائیل نیز می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. هرچند اسرائیل به این موضوع اذعان ننموده است و البته پاکستان هم می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. در این رابطه امکان بیشتری فراهم شده که امکان انجام حمله اتمی بیشتر گردیده است. ما مایل نیستیم که کشورهای دیگر به اشتباهات گذشته ما نزدیک شوند. برخی اعتقاد دارند که این تسلیحات بایستی برچیده شوند. ما در یک شرایط بسیار حساسی یعنی خطر درگیریهای هسته‌ای قرار داریم. علاقه‌ای نداریم که این وحشت در دنیا ایجاد گردد بلکه اعتقاد داریم که کشورها بایستی عضو پیمان منع و گسترش سلاحهای اتمی شوند.

در روسیه اینگونه به خاورمیانه نگاه می‌شود که علیرغم آنکه ما آمریکا، اروپا و آسیا را داریم، توجه بیشتر ما به خاورمیانه معطوف می‌باشد. هنوز روسیه معتقد است که بسیاری از چالشها در افغانستان بعنوان کشوری ضعیف وجود دارد. بایستی ثبات در آن کشور برقرار شود. بسیاری از کشورها نیز وضعیت مشابهی دارند تنها نبایستی وحشت کنیم که اتخاذ سیاستهای واحد در داخل روسیه و برخی از مشکلاتی که در شرق وجود داشته است لاینحل بنظر می‌رسد. درخصوص برخورد آمریکا با ایران برخی اعتقاد دارند که ایران تحت اداره روحانیت بدنبال تسلیحات کشتار جمعی است و بایستی توجه داشت که ایران باید خود را از وضعیت سخت اقتصادی خارج نماید. در ارتباط با نیروگاه اتمی بوشهر ما با ایران همکاری داشته‌ایم. در دریای خزر نیز علاوه بر برخی اختلافات، برخی توافقات نیز وجود دارد. در خصوص افغانستان

اذعان نموده‌ایم که ایران می‌تواند نقش مثبتی در آن کشور و همچنین در چچن ایفاء نماید. نه تنها در زمینه‌های موجود بلکه در زمینه‌های دیگر نیز توسعه همکاریها امکان‌پذیر می‌باشد. همچنین، اعتقاد داریم که ایران در راستای تولید تسلیحات هسته‌ای قدم بر نمی‌دارد بلکه بدنبال استفاده صلح‌آمیز از فن‌آوری هسته‌ای است. در ارتباط با انرژی، طیف وسیعی از موضوعات می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. دو کشور روسیه و ایران تولیدکننده و صادرکننده‌ گاز می‌باشند که در این زمینه و در جهت تبدیل شدن ایران به یک عنصر کاملاً مثبت در منطقه می‌توان همکاری نمود. البته، فرصتهای بسیاری برای همکاری وجود دارد که تنها مختص به انرژی نمی‌شود و هر کشوری نیاز دارد تا وضعیت سیاسی خود را تثبیت نماید. بعلاوه، امکان گسترش همکاریهای دو کشور در زمینه‌های بین‌المللی نیز وجود دارد.

بهر حال، این طرز تفکر نیز وجود دارد که روسیه در حال حاضر از قدرت بیشتری برخوردار می‌باشد چراکه انرژی، بیشتر مورد بحث قرار می‌گیرد. از توجه شما سپاسگزاری می‌نمایم و آماده‌ام در صورتی که سئوالاتی دارید به آنها پاسخ گویم.

سئوالات

سئوال) شما اشاره داشتید که روسیه مناسبات خوبی با آمریکا دارد. قبل از جنگ سرد فضای خوبی برای ایالات متحده وجود نداشت؛ ولی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر اقدامات مذکور شروع شده است. این تحولات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پاسخ) متأسفانه روسیه تجزیه و به کشورهای کوچکتری تبدیل شده است و مسکو قصد ندارد در امور داخلی کشورهای دیگر مداخله نماید. بسیاری از امور در روسیه نسبت به کشورهای منطقه آسیب‌پذیرتر شده‌اند. بعنوان مثال در مورد حضور طالبان، آیا ما مایل هستیم که به ضعف بنیه نظامی کمک کنیم، آیا کشورهای دیگر می‌خواهند ضعف نظامی کشورهای منطقه را جبران کنند؟ از طرف دیگر، ایران و روسیه طالبان را سرکوب کردند ولی این پدیده از بین نرفته است.

سیاست خارجی روسیه از جنبه‌های مثبت و منفی برخوردار می‌باشد، البته جهات مثبت سیاست خارجی ما در قبال کشورهای خارج نه تنها در زمینه‌های نظامی بلکه در زمینه‌های دیگر هم بیشتر بوده است. در حال حاضر با جمهوری آذربایجان در حال مذاکره برای جمع‌آوری پایگاه‌های آمریکا می‌باشیم. وقتی به آمریکاییها می‌گوییم که آنها مشکل آفرین شده‌اند اظهار می‌دارند این پایگاهها بسیار کوچک بوده و برای عملیات محدود مورد استفاده قرار خواهند گرفت؛ از طرفی آمریکا بدنبال حضور نظامی خود در اروپا می‌باشد که البته سیاست ما عدم برخورد مستقیم با آن کشور می‌باشد.

سؤال) سازمانهای بین‌المللی و بویژه سازمان ملل متحد قادر به اداره جهان نیستند و جهان بیشتر به سمت آنارشیزم پیش می‌رود. آمریکا نیز نسبت به اروپا از قدرت کمتری نسبت به گذشته برخوردار است. شما نظم آتی جهان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ همچنین، در قبال دخالت‌های آمریکا بصورت یکجانبه‌گرایی چه سیاست‌هایی را دنبال می‌نمایید؟

پاسخ) آمریکا نسبت به دهه قبل از قدرت کمتری برخوردار می‌باشد؛ همچنین، دنیا بی‌ثباتتر از قبل می‌باشد و نظم چندانی در دنیا مشاهده نمی‌شود. زمانیکه ناتو تنها پیمان نظامی منطقه‌ای بوده می‌توانست قدرت خود را تثبیت کند. افزایش خطر هسته‌ای بعنوان روندی خطرناک وجود دارد. این اعتقاد روسیه است و ما احساس می‌کنیم که براساس فرضیه قدرت تک قطبی، قدرت انحصاری آمریکا غیر واقعی است. فرضیه دیگری نیز وجود دارد بنام دنیای چند قطبی. به سختی می‌توان از نظر توازن در دنیا نظر قطعی داد. همچنین، اثرات مخرب مقابله قدرتهای دیگر با آمریکا وجود دارد. بسیاری از کشورها پشت ما پنهان شده‌اند. ما تلاش داریم تا از منابع خود بصورت مناسب استفاده نماییم. همچنین، گروه ۸ کشور صنعتی در حال انجام هماهنگیهای بیشتر می‌باشند. در قرن بیستم ما شاهد بودیم که همکاریهای اروپا در آفریقا منجر به ایجاد آرامش و صلح در آن منطقه گردید. ما بایستی بیشتر بدنبال ترتیبات منطقه‌ای باشیم. ترتیبات امنیتی در خاور دور بسیار خطرناک است و در مورد خاورمیانه پهناورتر، بایستی

ترتیبات امنیتی را مانند پاکستان اعمال کنیم. ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و ترتیبات زیرمنطقه‌ای (ساب سیستم) هم بایستی اجرا شوند. همچنین، برای جلوگیری از دسترسی کشورهای منطقه به تسلیحات اتمی بایستی تلاش نمود. ناتو قبلاً توانسته بود در اروپا صلح ایجاد کند و نه تنها در موضوعاتی که در ارتباط با مسائل اجتماعی اروپا بود بلکه ترتیبات امنیتی ناتو نیز موجب ایجاد آرامش در اروپا گردیده است. روسیه در برخی مناطق آسیایی نمی‌تواند حضور داشته باشد و ترتیبات امنیتی بایستی از داخل منطقه نشأت گرفته باشد.

سؤال) تغییر جهت اقتصاد دولتی در روسیه به سمت اقتصاد بازار آیا تغییری استراتژیک بوده است؟ آیا این اقدام موجب بی‌ثباتی بیشتر اقتصاد روسیه نشده است؟ و بالاخره اینکه آیا روسیه نمی‌توانست الگویی همانند چین را انتخاب کند؟

پاسخ) خیر. الگویی مانند چین را نمی‌توانستیم انتخاب کنیم. سیستم اقتصادی ما با عمر ۷۰ ساله ولیکن توخالی عملاً جواب نداد. ما در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ نفت بیشتری صادر می‌کردیم ولی اکنون کمتر گردیده است. ادامه روند قبلی معلوم نبود به کجا منجر شود. در هر صورت اتخاذ سیاستهای اقتصاد بازار یک تصمیم اقتصادی نبوده بلکه تصمیمی سیاسی بوده است. بهرحال، زمانیکه هزینه‌های نظامی کاهش پیدا کرد ما توانستیم این وضعیت را ادامه دهیم. در روسیه این سؤال وجود دارد آیا مجدداً اقتصاد دولتی احیاء خواهد گردید یا خیر؛ ولی اگر چنین شود بایستی این سیستم توخالی نباشد. بهرحال سیستم اقتصاد بازار برای روسیه، مقررات گمرکی و مقررات عمومی را تسهیل می‌نماید. تجربیات ما در اقتصاد تجربیاتی منفی بوده است و این درحالیست که اقتصاد بایستی منافع مردم را تأمین نماید.

سؤال) شما بر ظرفیتهای روسیه بعنوان قدرت اتمی دنیا تأکید نمودید. توانایی اتمی روسیه، آن کشور را همچنان بعنوان قدرت برتر مطرح نموده است. روسیه چگونه می‌تواند از این جایگاه برای حفظ منافع خود استفاده کند؟ سیاستهای شما برای مقابله با آمریکا چیست؟

پاسخ) قدرت اتمی در حال حاضر نوعی باج خواهی نبوده و ابزار بسیار پیچیده‌ای است. در عرصه

بازیهای سیاسی، استفاده از اهرم قدرت ظریف است؛ بعنوان مثال، برخورداری از سلاحهای هسته‌ای برای هند و پاکستان، آنها را از یکدیگر بیشتر می‌ترساند. مثلاً ما به آمریکا می‌گوییم شما موشکهای ضد بالستیک تولید می‌کنید ما هم در ابعاد محدودی سیستمهای موشکی خود را ارتقاء می‌دهیم. بنابراین، قدرت هسته‌ای روسیه یک قدرت بازدارندگی است. قبل از تسلیحات اتمی، دنیا برای بسیاری خطرناک بود امروزه هیچکس از جنگ جهانی سوم صحبت نمی‌کند. رقابت هسته‌ای هند و پاکستان وضعیت را خطرناکتر کرده است. افزایش خطرات کشورهای مذکور، خطرات کشورهای دیگر منطقه را نیز افزایش داده است. امروزه، ما بدنبال گسترش سیاستهای گذشته نیستیم و رقابتهای دیرینه هسته‌ای را دیگر دنبال نمی‌کنیم. این عامل تنها برای حفظ ثبات و جلوگیری از خطرات مربوطه صورت می‌پذیرد.

سؤال آیا روسیه با آمریکا برای مدیریت بحرانهای بین‌المللی به توافقی دست یافته است؟ آیا انرژی یک موضوع عمده شما با آمریکا می‌باشد؟ و بالاخره اینکه پیمان شانگهای در سیاست خارجی روسیه چه جایگاهی دارد؟

پاسخ زمانیکه دنیا در جستجوی صلح است، ما بدنبال ایجاد همکاریهای نزدیکتر با آمریکا هستیم. در برخی زمینه‌ها مانند مبارزه با مواد مخدر، این همکاریها را شروع کرده‌ایم. از طرف دیگر، ما بیشتر بدنبال تقویت سیاسی و کمتر تقویت نظامی پیمان شانگهای هستیم. پیمان مذکور و کشورهای عضو آن در حال قدرت‌گیری بیشتر می‌باشند. درخصوص انرژی نیز بایستی گفت که رقابت چندانی وجود ندارد چرا که ما تأمین‌کننده آن هستیم و آنها بیشتر مصرف‌کننده. این موضوع کاملاً اقتصادی است و به اقتصاد بازار برمی‌گردد. احتمال دارد که ما گاز مایع به آمریکا صادر کنیم. اما درکل بایستی بدنبال یافتن بازارهای مختلف باشیم. این موضوع از خود نفت پیچیده‌تر است چرا که حل آن پیچیده‌تر می‌باشد. شرکتهای روسی قراردادی نفتی با عربستان امضاء نموده و علاقمند می‌باشند تا در بازارهای عراق و ایران نیز حضور یابند. همینطور بنظر می‌رسد که در میان مدت و بلندمدت ثبات مناطقی که منابع نفتی دارد بیشتر شود که این

موضوع عاملی مثبت تلقی می‌شود. بعلاوه، ما بدنبال همکاری با اوپک و کشورهای عضو آن نیز هستیم.

سئوالات ذیل به علت اتمام وقت، یکجا مطرح گردیدند:

- براساس دکترین وزارت دفاع روسیه، امکان ضربه اول وجود دارد. روسیه قدرت بزرگی است و با آمریکا چالش ندارد. تمام اقدامات آمریکا در ۱۰ سال گذشته، نوعی مبین این دکترین می‌باشد. شما بر بها دادن به قدرت نظامی روسیه درحالیکه بسیاری از مردم شما در فقر بسر می‌برند تأکید نمودید. باتوجه به قدرت برتر آمریکا و فشارهای بیشتر آن کشور بر شما، آیا فکر می‌کنید این اقدام مؤثر باشد؟

- شما بدنبال چالش با آمریکا نیستید ولیکن زمینه‌هایی وجود دارد که چالش میان شما و ایالات متحده را فراهم می‌کنند. نظر شما چیست؟

- شما چند بار در سخنرانی خود تأکید نمودید که روسیه بدنبال مقابله با رویارویی با آمریکا نیست و این درحالیست که ما شاهد روند افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه می‌باشیم. این روند از بالکان یعنی یوگسلاوی آغاز و به سمت کشورهای اروپای شرقی نظیر لهستان، مجارستان و جمهوری چک پیشروی نموده است. حتی ما شاهد حضور نظامی آمریکا در حوزه خارج نزدیک روسیه یعنی جمهوری آذربایجان و ازبکستان هستیم. در آخرین تحول نیز بنا به اذعان مقامات عالی‌رتبه گرجستان، حمایت‌های مستقیم آمریکا از مخالفت‌های اخیر بر علیه شوارنادازه که البته شاید ریشه اجتماعی داشته است در قالب بنیاد آمریکایی سورس و سفیر ایالات متحده در گرجستان منجر به براندازی دولت در آن کشور گردید. آیا این سیاست روسیه مبنی بر عدم مقابله و رویارویی با آمریکا دارای حد و مرزی است یا خیر؟

پاسخ کلی

حمله آغازین بصورت اساسی مطرح بوده و البته ابهاماتی نیز دارد. کسانی هستند که

منافع ما را تهدید می‌کنند. عاقلانه نیست که این موضوع را در دستور کار آمریکا قرار دهیم. آمریکا بی‌مهابا در مورد قدرت خود صحبت می‌کند که حمله غافلگیرانه یکی از موارد آن است. این تنها یک احتمال است و ما بیشتر در حال متقاعد نمودن آمریکا هستیم که در مناطق دیگر دنیا، این استراتژی که موجب عدم ثبات می‌شود را اتخاذ نکند چرا که موجب بی‌ثباتی بیشتر دنیا خواهد گردید. ما در حدود ۵۰ سال با آمریکا مقابله داشته‌ایم و این مقابله سبب شده است تا سیستم ما صدمات بسیاری ببیند و از هم بپاشد، از طرفی، چین اصلاحات بسیاری را انجام داد ولیکن خطرات بسیاری آن کشور را تهدید نمی‌کرد. به همین خاطر، تا حد امکان از مقابله و مواجهه مستقیم حذر می‌نماییم.

اختلاف نظر ما با آمریکا در مورد عراق، ساخت و تجهیز تسلیحات استراتژیک بوده است. واقعیت این است که اختلافات میان ما و آمریکا وجود دارد و بدنبال این نیستیم که حضور نظامی خود را در اروپا و بالکان بصورت مسابقه‌ای در آوریم. کشورهای مذکور در صد کاهش نیروهای نظامی خود هستند و ۵۰ الی ۷۰ درصد نیروهای نظامی خود را کاهش خواهند داد. نگاه ما به ایجاد پایگاههای نظامی آمریکا در منطقه، تهدیدآمیز نیست. همچنین، بدنبال یافتن یک پایگاه نظامی آمریکا در روسیه نیستیم. ما با آمریکاییها توافق کرده‌ایم که آنها در گرجستان پایگاهی نظامی ایجاد نکنند و نمی‌دانیم که پایبند باشند یا خیر؟ حقیقت این است که نظر رهبری آمریکا در منطقه برای ما مشخص نمی‌باشد. زمانی همکاریهای چین، هند و آمریکا مطرح گردید. این دیدگاه غیرواقع بینانه بود چرا که نه چین و نه هند بدنبال چنین متحدی نبودند. آمریکا هم بدنبال اتحاد میان چین و هند نبود. از طرفی، پاکستان تهدیدی جدی برای هند محسوب نمی‌شد. اینگونه اتحادهای مثلی واقع بینانه نبودند و سه ضلع مثلث هیچگونه انگیزه‌ای برای این منظور نداشتند. بنابراین، برای این ترتیبات نظامی، دو الی چهار کشور در آسیا ممکن است اتحادهایی را داشته باشند.

رضا نوریان - مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز